

بسم الله الرحمن الرحيم

علوم بلاغی و زیبایی شناختی قرآن (۲)

دکتر حسن خرقانی
(دانشیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی)

تابستان ۱۳۹۸

درسمانگاه
علوم قرآن و حدیث

خرقانی، حسن، ۱۳۴۸-

علوم بلاغی و زیبایی‌شناختی قرآن (۲) / حسن خرقانی؛ [برای] وزارت علوم تحقیقات و فناوری مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸.

سیزده، ۲۳۰ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۴۸۴: قرآن‌پژوهی؛ ۵۹)

ISBN: 978-600-298-261-2

بها: ۲۴۰۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه، ص. [۲۰۹-۲۱۷]؛ همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. قرآن -- مسائل لغوی. ۲. Qur'an -- Language, Style. ۳. قرآن - بدیع. ۴. Qur'an -- Figures of speech.

الف. ایران. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. عنوان.

۲۹۷/۱۵۳

BP۸۳

۵۷۱۰۳۲۳



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور



علوم بلاغی و زیبایی‌شناختی قرآن (۲)

مؤلف: حجت‌الاسلام دکتر حسن خرقانی

ناظر: حجت‌الاسلام دکتر سیدمحمود طیب‌حسینی

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسگری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: اعتصام

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۸

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان

این اثر با حمایت مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور تدوین شده و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

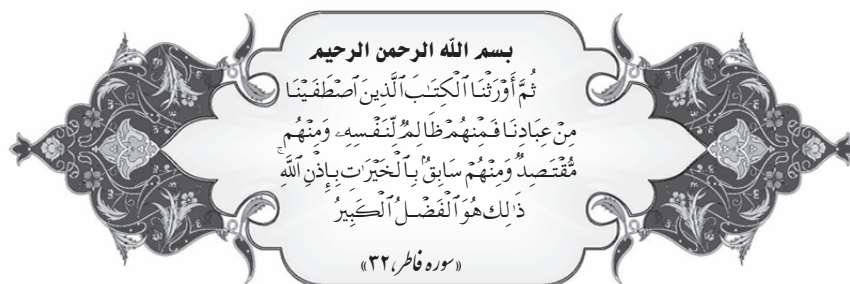
(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۶۰۲۶۴۰۶۶۴

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶



سخن مرکز

علوم قرآن و حدیث، رشته دیرپای دانشگاهی است که عزت انتساب آن به قرآن کریم و حدیث شریف موجب شده تا جامعه، انتظارات علمی، ارزشی و حتی عاطفی ویژه‌ای از آن داشته باشد. از این رو «مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور» با هدف تحول و تعالی نظام تولید علم و تربیت نیروی انسانی قرآنی متناسب با نیاز کنونی جامعه اسلامی، بازنگری و تجمیع برنامه‌های درسی دوره کارشناسی رشته علوم قرآن و حدیث را در دستور کار قرار داد.

انجام این مأموریت با مشارکت صاحب‌نظران علوم قرآن و حدیث و زمینه‌های مرتبط، پنج سال به طول انجامید که حاصل آن، برنامه درسی مشتمل بر ۱۰۰ واحد مشترک و شش مجموعه اختیاری ۳۵ واحدی با عناوین «مطالعات قرآن»، «مطالعات حدیث»، «تربیت دبیر آموزش قرآن و حدیث»، «تربیت مربی آموزش قرآن و حدیث»، «هنرهای قرآنی (قرائت و کتابت)» و «فرهنگ و رسانه» است.

نقشه راه این تحول ضروری می‌نمود که درسنامه‌های رشته نیز، طراحی و تدوین شود. این کار با شناسایی و جلب مشارکت استادان بسیاری از گروه‌های آموزشی کشور و با مدیریت «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «دانشگاه قرآن و حدیث» انجام شد.

این اقدامات، نخستین گام در ارتقای محتوا و انسجام درونی این رشته بود که بی‌گمان از نقص و نارسایی مبرا نیست. امید می‌رود این برنامه و درسنامه‌های آن مورد عنایت استادان و دانشجویان گرامی قرار گیرد و با نظرات مشفقانه و انتقال تجربیات اجرای آن، این مرکز را در بازنگری مجدد برنامه کارشناسی و بازطراحی مقاطع تحصیلات تکمیلی همراهی کنند.

مرکز هماهنگی و توسعه
پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارآیی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۴۸۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان کتاب درسی در زمینه مطالعات قرآنی برای دانشجویان رشته علوم قرآن و حدیث و تفسیر در مقطع کارشناسی فراهم شده است؛ البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های نویسنده محترم اثر، حجت‌الاسلام دکتر حسن خرقانی و نیز از ناظر محترم اثر، حجت‌الاسلام دکتر سید محمود طیب‌حسینی سپاسگزاری کند.

همچنین از نقش حمایتی مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور و تلاش‌های اعضای محترم کارویژه مدیریت تدوین درسنامه‌های قرآنی و همه عزیزانی که در آماده‌سازی و انتشار این اثر نقش داشته‌اند؛ سپاسگزاری می‌شود.

فهرست مطالب

مقدمه..... ۱

درس اول: دانش‌شناسی و پیشینه‌شناسی بدیع

در پیشگاه قرآن..... ۵
۱. شناخت علم بدیع و نقش آن در بلاغت سخن..... ۷
۲. پیشینه دانش بدیع..... ۸
قصیده‌های بدیعی..... ۱۲
پرسش و تطبیق..... ۱۴

درس دوم: آرایه‌های بدیعی و نقش آنها در شناخت و فهم قرآن

۱. آشنایی با آرایه‌های بدیعی..... ۱۵
۲. رویکردهای جدید به آرایه‌های بدیعی..... ۱۷
۳. کارکردهای قرآن‌شناختی و تفسیری آرایه‌های بدیعی..... ۱۹
۴. ویژگی‌های سبک قرآن در کاربرد آرایه‌های بدیعی..... ۲۲
الف) تنوع اسلوب قرآن کریم در کاربرد محسنات بدیعی..... ۲۲
ب) طبیعی و دلچسب بودن آرایه‌های قرآن..... ۲۳
پرسش و تطبیق..... ۲۴

درس سوم: آرایه‌های آوایی ۱

در پیشگاه قرآن..... ۲۵
۱. نظم‌آهنگ و ضرب‌آهنگ قرآن..... ۲۶
۲. واج‌آرایی..... ۲۸
نمونه‌های واج‌آرایی در قرآن کریم..... ۲۹
تکرار حروف و روانی سخن..... ۳۲

پرسش و تطبیق..... ۳۳

درس چهارم: آرایه‌های آوایی ۲

۱. هجاآرایی و واژه‌آرایی..... ۳۵
۲. تناسب آوا با معنا در قرآن..... ۳۷
پرسش و تطبیق..... ۴۱

درس پنجم: همگونی‌های واژگانی در قرآن کریم ۱

در پیشگاه قرآن..... ۴۳
۱. تعریف جناس..... ۴۴
۲. وجوه زیباشناختی جناس..... ۴۵
۳. انواع جناس..... ۴۷
۴. جناس تام در قرآن..... ۴۷
۵. جناس غیرتام در قرآن..... ۵۰
الف) همگونی واژگان با اختلاف در حرکت و سکون..... ۵۰
ب) همگونی واژگان با اختلاف در نوع حروف..... ۵۱
ج) همگونی واژگان با اختلاف در شمار حروف..... ۵۲
د) همگونی واژگان با اختلاف در چینش حروف..... ۵۴
۶. جناس مرکب، خطی و مزدوج..... ۵۵
پرسش و تطبیق..... ۵۷

درس ششم: همگونی‌های واژگانی در قرآن کریم ۲

در پیشگاه قرآن..... ۵۹
۱. همگونی در ریشه..... ۶۰
۲. همگونی در ریخت..... ۶۲
۳. همگونی در شکل..... ۶۴
۴. همگونی در معنا..... ۶۷
پرسش و تطبیق..... ۶۹

درس هفتم: سجع و فواصل آیات ۱

در پیشگاه قرآن..... ۷۱
۱. تعریف سجع و فاصله..... ۷۲
۲. وجوه زیباشناختی هماهنگی فواصل..... ۷۴
۳. انواع فواصل از نظر همگونی در وزن و حرف پایانی..... ۷۵
۱. فاصله متوازی..... ۷۶

۷۷ فاصله مطوّف
۷۸ فاصله متوازن
۷۹ فاصله متقارب
۷۹ فاصله متفاوت
۸۱ زیبایی‌شناسی حروف پایانی آیات
۸۱ الف) حروف آخر آیات
۸۳ ب) حروف مدّ پیش از حرف آخر
۸۴ ج) پای‌بندی به بیش از یک حرف در فاصله
۸۵ پرسش و تطبیق

درس هشتم: سجع و فواصل آیات ۲

۸۷ ۱. ترصیع و موازنه
۸۸ ۲. فاصله میانی
۸۹ ۳. گوناگونی ساختار فواصل آیات
۹۰ الف) وحدت و تنوع در فواصل سوره‌ها
۹۰ ب) فاصله‌ها کوتاه، متوسط و بلند
۹۱ ج) برابری و نابرابری قرینه‌های سجع
۹۲ ۴. تناسب فواصل با مضمون آیه
۹۴ ۵. زیبایی فواصل و فراهنجاری‌های ادبی در پایان آیات
۹۶ الف) دیدگاه‌ها در چگونگی تفسیر فراهنجاری‌های فواصل آیات
۹۶ ۱. دیدگاه زیباشناختی بر پایه تناسب فواصل
۹۷ ۲. دیدگاه معناشناختی بر پایه نکته‌های معنایی
۹۸ ۳. همپایه بودن کمال معنا و زیبایی لفظ
۹۹ ۶. فواصل قرآن فراتر از مرزهای سجع و مرزهای قافیه
۹۹ الف) تنگنای سجع و آزادی فاصله
۱۰۰ ب) تفاوت‌های فاصله و قافیه
۱۰۱ پرسش و تطبیق

درس نهم: تکرارهای هنری در قرآن کریم ۱

۱۰۳ در پیشگاه قرآن
۱۰۴ ۱. تکرار و جایگاه بلاغی آن
۱۰۶ ۲. انگیزه‌ها و کارکردهای تکرار
۱۰۶ الف) تکرار تأکیدی
۱۰۶ ب) انگیزه‌های روان‌شناختی تکرار
۱۰۷ ج) کارکردهای تربیتی و آموزشی تکرار

۱۰۷	د) تکرار در ادب و هنر
۱۰۸	۳. گونه‌های تکرار در قرآن
۱۰۹	۴. تکرارهای آوایی در قرآن کریم
۱۰۹	۵. تکرارهای واژگانی در قرآن کریم
۱۱۰	۱. تکرار واژه در صدر و ذیل سخن
۱۱۲	۲. بازآوری واژه (تردید)
۱۱۳	۳. تشابه اطراف و تعطف
۱۱۴	۴. تکرارهای بلاغی واژگان
۱۱۶	پرسش و تطبیق

درس دهم: تکرارهای هنری در قرآن ۲

۱۱۹	۱. تکرار عبارت در قرآن کریم
۱۱۹	الف) گونه‌های تکرار آیات و عبارتها در قرآن
۱۲۰	– تکرارهای پیوسته
۱۲۱	– تکرارهای منظم ناپیوسته
۱۲۲	ب) تکرار در سوره رحمن
۱۲۶	ج) نمونه‌هایی از تکرار عبارت در ادعیه
۱۲۶	د) تکرار عبارت با دگرگونی در اجزای آن
۱۲۸	۲. تکرارهای نحوی در قرآن کریم
۱۳۰	پرسش و تطبیق

درس یازدهم: آرایه‌های ترتیبی در قرآن کریم

۱۳۱	در پیشگاه قرآن
۱۳۲	۱. زیبایی‌شناسی آرایه‌های ترتیبی
۱۳۳	۲. آرایه لَفّ و نشر و انواع آن
۱۳۳	الف) لَفّ و نشر مرتب
۱۳۴	ب) لَفّ و نشر مشوّش
۱۳۶	۳. آرایه تقسیم
۱۳۷	۴. آرایه تفصیل پس از اجمال
۱۳۸	۶. آرایه جمع
۱۳۹	۷. آرایه تفریق
۱۴۰	۸. آرایه جمع و تفریق
۱۴۱	۹. آرایه جمع و تقسیم
۱۴۲	۱۰. آرایه جمع و تفریق و تقسیم
۱۴۲	۱۱. آرایه ترتیب

پرسش و تطبیق..... ۱۴۳

درس دوازدهم: تضادها و تقابلهای ادبی در قرآن کریم

در پیشگاه قرآن.....	۱۴۵
۱. وجوه زیباشناختی تضاد و تقابل.....	۱۴۷
۲. آرایه تضاد.....	۱۴۸
الف) گونه‌های تضاد.....	۱۴۸
ب) نمونه‌های آرایه تضاد.....	۱۴۹
۳. تضاد نمایی.....	۱۵۰
۴. آرایه تقابل.....	۱۵۳
الف) نمونه‌های قرآنی آرایه مقابله.....	۱۵۴
ب) گونه‌های تقابل.....	۱۵۵
ج) قرینه‌سازی در تقابل.....	۱۵۶
پرسش و تطبیق.....	۱۵۸

درس سیزدهم: ایهام و چند معنایی

در پیشگاه قرآن.....	۱۶۱
۱. مفهوم‌شناسی ایهام.....	۱۶۲
۲. گونه‌های ایهام.....	۱۶۳
۳. چند معنایی.....	۱۶۴
۴. مفاهیم هم‌حوزه با ایهام.....	۱۶۵
۵. ایهام و تشابه.....	۱۶۶
۶. ارزش هنری و زیباشناختی ایهام.....	۱۶۸
۷. کارکردهای تفسیری ایهام.....	۱۶۹
۸. بررسی کاربردهایی قرآنی از ایهام.....	۱۷۱
۹. ایهام تناسب.....	۱۷۴
پرسش و تطبیق.....	۱۷۵

درس چهاردهم: آرایه‌های ایهام‌آمیز استخدام و مدح شبه ذم و ذم شبه مدح

۱. استخدام.....	۱۷۷
۲. مدح و ذم شبیه به یکدیگر.....	۱۸۰
بررسی کاربردهای قرآنی مدح و ذم شبیه به یکدیگر.....	۱۸۱
پرسش و تطبیق.....	۱۸۴

درس پانزدهم: آرایه‌های مبالغه و تجرید

۱۸۵	۱. مبالغه
۱۸۶	الف) تعریف مبالغه
۱۸۶	ب) انواع مبالغه
۱۸۶	یک، تبلیغ
۱۸۷	دو، اغراق
۱۸۸	سه، غلو
۱۸۹	ج) زیبایی‌شناسی مبالغه
۱۸۹	یک، گستره کاربرد مبالغه در عرصه‌های گوناگون
۱۹۰	دو، اختلاف نظر درباره حسن مبالغه
۱۹۰	د) مبالغه در نصوص دینی
۱۹۱	ه) نمونه‌های قرآنی مبالغه
۱۹۲	و) اسلوب‌های مبالغه
۱۹۴	۲. تجرید
۱۹۵	پرسش و تطبیق

درس شانزدهم: بلاغت قصه در قرآن

۱۹۷	در پیشگاه قرآن
۱۹۹	۱. تعریف قصه و قصه قرآنی
۲۰۰	۲. ویژگی‌های قصص قرآنی
۲۰۰	۳. آزادی هنری در داستان‌گویی قرآن
۲۰۰	الف) نادیده انگاشتن عناصر تاریخی
۲۰۱	ب) گزینش حادثه‌ها
۲۰۱	ج) آزادی در چینش صحنه‌ها
۲۰۳	د) نگر بستن از زاویه‌های گوناگون به یک حادثه
۲۰۳	ه) ارائه گزارش‌ها و تصویرهای گوناگون از یک صحنه
۲۰۴	۴. حکمت تکرار در قصه‌های قرآن کریم
۲۰۴	الف) اهدافی گوناگون در یک قصه دنبال می‌شود
۲۰۴	ب) تأکید ورزیدن روی برخی مفاهیم دینی
۲۰۵	ج) حضور قصه در شرایط تاریخی مسلمانان
۲۰۵	د) تکرارنما بودن، نه تکرار واقعی
۲۰۵	ه) نشانه اعجاز بودن
۲۰۶	۵. عناصر داستانی در قصه‌های قرآن
۲۰۶	توزیع عناصر در قصه صالح <small>علیه السلام</small>
۲۰۸	پرسش

منابع و مأخذ..... ۲۰۹

نمایه‌ها

نمایه آیات..... ۲۱۹
نمایه روایات..... ۲۲۵
نمایه اصطلاحات..... ۲۲۷
نمایه اشخاص..... ۲۳۰

مقدمه

ادبیات و زیبایی‌شناسی سخن، از شیرین‌ترین دانش‌ها و فنون است و آنجا که بر محور کتاب الهی باشد، جذابیت و شیرینی آن با ارزشمندی و کارآمدی در عرصه معرفتی همراه خواهد بود. اعجاز و گستره معنایی قرآن نیز بر پرباری ادبیات قرآنی می‌افزاید و از سویی، حساسیت بیشتری به کار می‌بخشد و دقت و پژوهش بیشتری می‌طلبد.

ابعاد گوناگون زیبایی‌های قرآن کریم از زاویه دانش‌هایی چند درخور بررسی است؛ از جمله علوم ادب عربی با حوزه‌های گوناگون آن، نقد ادبی، زبان‌شناسی با شاخه‌های گوناگون آن، زیبایی‌شناسی، موسیقی و ادبیات داستانی. آنچه تاکنون در این زمینه بیشتر به خدمت گرفته شده، علوم بلاغت است و از میان علوم بلاغت، دانشی که مستقیم به زیبایی‌شناسی سخن می‌پردازد، دانش بدیع است.

نوشته پیش‌رو، دومین بخش از «علوم بلاغی و زیبایی‌شناختی قرآن» است که زیبایی‌های ادبی قرآن را با تکیه بر علم بدیع می‌شناساند. کتاب پیش‌رو برگرفته از دستاوردهای سال‌ها پژوهش و تدریس در علوم قرآنی و حوزه‌های ادبی قرآن است. نگارنده کتاب‌ها و مقالاتی نیز در این موضوع منتشر کرده و در آنها مطالب، توضیحات و نمونه‌های بیشتری در موضوعات مطرح‌شده در این کتاب، آورده است که رجوع به آنها می‌تواند شرح و توضیحی بر این مباحث باشد.

در نوع کتاب‌های بدیعی حتی برخی کتاب‌هایی که به تازگی و به‌عنوان درسی نوشته شده‌اند، با سلسله اصطلاحاتی پراکنده و نیز نمونه‌هایی روبه‌رو هستیم که هر کدام صفحه یا صفحه‌هایی را دربر گرفته‌اند. طرح‌هایی که برای دسته‌بندی و علمی‌سازی بدیع ارائه شده، گاه کلی، یا

پیچیده‌اند و میان تقسیم‌های آن تکرار و تداخل وجود دارد. بنابراین، تبیین زیبایی‌های قرآن در قالب آنها دشواری‌هایی به بار خواهد آورد؛ به‌ویژه در متنی که آموزشی و به یاد سپردنی باشد. سعی نگارنده بر آن بوده که آرایه‌های بدیعی در خانواده‌هایی دسته‌بندی شوند و از عنوان‌هایی گویا استفاده شود و اصطلاحات در متن آورده و تبیین شوند. نکته دیگر آنکه این کتاب تنها نوشته‌ای در حوزه بلاغت نیست، بلکه مباحث علوم قرآنی و تفسیر در حوزه‌های مطرح‌شده را نیز پوشش می‌دهد.

تجربه سالیان تدریس به نگارنده آموخته است که آنچه سودمند، جذاب و به یاد ماندنی است و کار آموزش را ساده می‌سازد، استفاده از نمونه‌ها و مثال‌های عینی است؛ از این‌رو، ورود به مباحث از دریچه نمونه‌های قرآنی بوده و در میان مباحث نیز نمونه‌های بیشتری آورده شده است.

این درسنامه در شانزده درس سامان یافته است:

دو درس نخست به چیستی دانش بدیع و جایگاه آن در میان علوم بلاغی می‌پردازند و پیشینه و سیر تحولات آن را تا عصر حاضر پی می‌گیرند و پس از گفتگو درباره آرایه‌های بدیعی نقش آنها را در قرآن پژوهی و تفسیر نشان می‌دهند.

درس‌های سوم و چهارم، آرایه‌های آوایی نام داشته و به نظم‌آهنگ قرآن و شناخت زیبایی‌های آوایی آن اختصاص دارند. همچنین موسیقی قرآن و تناسبش با معنا را معرفی می‌کنند. این بحث از مباحث جدید زیباشناختی قرآن است و در بدیع سنتی بدین‌گونه مطرح نبوده است.

درس‌های پنجم و ششم، به آرایه‌هایی اختصاص دارند که موجب همگون‌سازی واژگان می‌شوند؛ چه در سطح لفظ و چه در سطح معنا. آرایه‌هایی مانند جناس، اشتقاق، مشاکله و مراعات نظیر در این قسم جای می‌گیرند. در این مبحث، زیبایی و حکمت‌گزینش واژگان قرآنی و اعجاز آنها، تا اندازه‌ای روشن خواهند شد و ما را در تشخیص روابط لفظی و معنایی میان واژگان قرآنی توانمند خواهند ساخت.

درس‌های هفتم و هشتم، به گسترده‌ترین و بحث‌انگیزترین جلوه ادبی در آیات، یعنی «فواصل» می‌پردازند و رابطه فواصل با سجع را بررسی می‌کنند. در این مبحث با انواع فواصل و حروف پایانی آیات و نیز ساختارهای مختلف فواصل و وجه زیباشناختی آنها آشنا می‌شویم. چگونگی تناسب فاصله با مضمون آیه، توازن در سطح آیات و فراهنجاری‌های انجام‌گرفته در فواصل و چگونگی تفسیر آنها، از دیگر سرفصل‌های این بخش هستند.



درس‌های نهم و دهم، درباره تکرارهای هنری در قرآن کریم‌اند. این دروس انگیزه‌ها و کارکردهای تکرار را روشن خواهد کرد و آرایه‌های بدیعی مربوط به تکرار در قرآن را در محورهای تکرارهای آوایی، واژگانی، عبارتی و نحوی بازگو می‌کند و نکات بلاغی و زیباشناختی آنها را یادآور می‌شود.

درس یازدهم با عنوان آرایه‌های ترتیبی در قرآن کریم، آرایه‌هایی مانند لفّ و نشر، تقسیم، تفصیل پس از اجمال، جمع، تفریق و هم‌خانواده‌های آنها و نیز تحلیل اجمالی وجوه زیباشناختی و تفسیری آنها را دربردارد.

درس دوازدهم تضادها و تقابل‌های ادبی در قرآن کریم است و آرایه‌های تضاد، مقابله، تضاد نمایی و کاربردهای قرآنی آنها را می‌شناساند.

درس‌های سیزدهم و چهاردهم، ایهام و چندمعنایی در قرآن و نیز آرایه‌های ایهام‌آمیز استخدام و مدح شبه‌ذم و ذم شبهه به مدح را بررسی می‌کند. این بخش به جز وجوه زیبایی‌شناختی، کارکردهای مهم تفسیری دارد.

درس پانزدهم نیز آرایه مبالغه در انواع سه‌گانه تبلیغ، اغراق و غلو و نیز تجرید را شناسایی می‌کند. درس شانزدهم نیز به بلاغت قصه در قرآن پرداخته است و مباحثی همچون معنای قصه و تعریف قصه قرآنی، ویژگی‌های قصص قرآنی و آزادی هنری در داستان‌گویی قرآن، حکمت تکرار در قصه‌های قرآن و عناصر داستانی در قصه‌های قرآن را دربر دارد.

در این درس‌ها، بسیاری از آرایه‌های علم بدیع که ارزش زیباشناختی داشته و در قرآن کریم به روشنی به کار گرفته شده‌اند، معرفی می‌شوند. برخی آرایه‌ها در قرآن کاربردی ندارند و مربوط به سروده‌ها هستند. شماری دیگر مانده‌اند که در این سرفصل گنجانیده نشده‌اند و طرح کردن آنها برای جای دیگر مناسب است؛ مانند حُسن مَطَّلَع، بَرَاعَتِ اسْتِهْلَال، حُسن مَقْطَع، تَخْلُص و استطراد که مناسب بحث ساختار سوره‌ها^۱یند.

نگارنده کوشیده است مطالب به صورت متوازن درس‌بندی شوند، ولی شاید گاه حجم مطالب، بیش از اندازه یک درس باشد، یا تعطیلات، زمانِ درسی را بکاهد؛ از این رو پیشنهاد می‌شود برخی بخش‌ها و نمونه‌ها به خود دانشجویان واگذار شوند تا فرصت مرور کردن همه مباحث ایجاد شود.

۱. ر.ک: خرقانی، هماهنگی و تناسب در ساختار قرآن کریم، ص ۱۴۳-۱۶۰.

برای آشنایی دانشجویان با منابع مهم مباحث بدیعی و زیباشناختی قرآن، استادان محترم، دانشجویان را به آنها ارجاع دهند، و یا کتاب‌های مهم را به کلاس آورده و آنها معرفی کنند. به نمونه‌هایی از این کتاب‌ها در پاورقی‌ها ارجاع داده شده است. برای توضیحات بیشتر، یا تحلیل نمونه‌های آورده شده در تطبیقات، می‌توان به کتاب زیباشناسی قرآن از نگاه بدیع، اثر نگارنده، (در مباحث مشترک) رجوع کرد.

در هر بحث نوعاً نمونه‌هایی از ادب و حدیث آورده شده است، ولی مجال بیش از این نبود و استادان محترم خود نمونه‌هایی بیشتری را به‌ویژه از ادب فارسی مطرح فرمایند تا حس زیبایی‌شناسی ادبی دانشجویان پرورش یابد.

ترجمه‌های آیات براساس ترجمه محمد مهدی فولادوند انتخاب شده‌اند و گاه ممکن است با تفسیری که در متن از آیه شده کمی تفاوت داشته باشد که طبیعی و ناشی از اختلاف دیدگاه است. امیدوارم دانشجویان گرامی پس از گذراندن این درس، هنگام قرائت قرآن لذت بیشتری احساس کنند و اعجاز ادبی قرآن را تا حدودی دریابند و بر توان دریافت آنان از نصوص قرآنی افزوده شود؛ چه آنکه گذراندن این درس دریچه‌ای به گستره زیبای قرآن، فراروی علاقه‌مندان خواهد گشود و دیدگاه آنان را در نگاه به قرآن متفاوت خواهد کرد. بنابراین انتظار آن است که خود مستقیم به قرآن رجوع کرده، و آرایه‌های بدیعی را نمونه‌یابی کنند و کاربرد این درس‌ها را در شناخت زیبایی‌های قرآن بنگرند.

در پایان از همه استادان محترمی که از محضرشان بهره بردم، سپاس دارم؛ به‌ویژه استادم آیت‌الله معرفت که همواره راهنما و مشوق راهم بود. همچنین از همه کسانی که در به‌ثمر نشستن این نگاه‌ها سهمی داشته‌اند، به‌ویژه ناظر علمی محترم جناب آقای دکتر سید محمود طیب حسینی که نکته‌های ایشان در بهبود اثر کارساز بود، تشکر و قدردانی می‌کنم.

حسن خرقانی، دانشیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی

درس اول

دانش‌شناسی و پیشینه‌شناسی بدیع

اهداف:

- آشنایی با چستی دانش بدیع و جایگاه آن در میان علوم بلاغی؛
- آگاهی بر پیشینه علم بدیع و سیر تحولات آن تاکنون؛
- شناخت مهم‌ترین آثار بدیعی.

در پیشگاه قرآن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
«وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ * وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ * وَ مَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ * إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَىٰ * فَأَمَّا مَنْ أُعْطِيَ وَ
أَنْتَقَىٰ * وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ * فَسَنِيَّ لَهُ لِيُسرَىٰ * وَ أَمَّا مَنْ بَخِلَ وَ اسْتَغْنَىٰ * وَ كَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ * فَسَنِيَّ لَهُ
لِلْعُسْرَىٰ * وَ مَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ * إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ * وَ إِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَ الْأُولَىٰ * فَانذَرْنَكُمْ نَارًا تَلَطَّىٰ
* لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَىٰ * الَّذِي كَذَّبَ وَ تَوَلَّىٰ * وَ سَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَىٰ * الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ * وَ مَا لِأَحَدٍ
عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَىٰ * إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ * وَ لَسَوْفَ يَرْضَىٰ»^۱

۱. لیل، ۱-۲۱: «سوگند به شب چون پرده افکند، سوگند به روز چون جلوه‌گری آغازد، و سوگند به آن که نر و ماده را آفرید، که همانا تلاش شما پراکنده است. اما آن که بخشید و پروا داشت و جزای نیک را تصدیق کرد، ما او را در مسیر آسانی قرار می‌دهیم و اما آن که بخل ورزید و خود را بی‌نیاز دید و پاداش نیک را انکار کرد، به زودی او را در مسیر دشواری قرار می‌دهیم و چون هلاک شد، دیگر مال او به کارش نمی‌آید. همانا هدایت بر ماست. و در حقیقت، دنیا و آخرت از آن ماست. پس شما را به آتشی که زیانه می‌کشد هشدار دادم. جز نگون‌بخت‌تر از این مردم در آن درنیاید: همان که تکذیب کرد و رخ برتافت. و پاک‌رفتارتر از این مردم، از آن دور داشته خواهد شد: همان که مال خود را می‌دهد برای آنکه پاک شود، و هیچ‌کس را به قصد پاداش یافتن نعمت نمی‌بخشد، جز خواستن رضای پروردگارش که بسی برتر است، منظوری ندارد. و قطعاً به زودی خشنود خواهد شد».

به این سوره کریمه که می‌نگریم، آن را قطعه زیبایی می‌بینیم که کلمات و معانی با نظم و انسجام در آن چیده شده‌اند.

«وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى * وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى»؛ در این دو آیه چهار واژه به موازات هم قرار گرفته‌اند که از نظر طول و تعداد با هم برابرند و پایان هر دو به یک حرف و یک آهنگ ختم می‌شود. از نظر معنا نیز درمی‌یابیم که «لیل» در برابر «نهار» و «یغشی» در برابر «تجلی» قرار دارد. در آیه بعد نیز «ذکر» در برابر «انثی» است و پایان آیه نیز به همان حرف آیات پیشین ختم می‌شود. در شش آیه پس از آن نیز می‌بینیم چیدمان زیبایی از واژگان قرار دارد که هم آهنگین، متوازن و نظامدارند و هم از نظر معنایی میانشان تقابل وجود دارد: «أَعْطَى» در برابر «بَخَلَ»، «أَتَقَى» در برابر «اسْتَعْنَى»، «صَدَّقَ بِالْحُسْنَى» در برابر «كَذَّبَ بِالْحُسْنَى» و «فَسَيِّسِرُهُ لِّلْغُسْرَى» در برابر «فَسَيِّسِرُهُ لِّلْغُسْرَى» قرار گرفته‌اند.

در ترکیب «سَيِّسِرُهُ لِّلْغُسْرَى»، می‌بینیم افزون بر تکرار سَيِّسِرُهُ، ترکیبی تضادناست و آسان‌سازی و دشواری، در آغاز با هم ناسازوار جلوه می‌کند، اما کاربرد آن در سخن خداوند، طراوتی خاص به کلام بخشیده و آن را شیرین و تأمل‌برانگیز ساخته است.

سوره همین‌گونه ادامه می‌یابد و در آیه‌های «إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى * وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَى» و آیات پس از آن می‌بینیم حرف «لام» تکرار شده و ضرب‌آهنگ زیبایی به سوره بخشیده است. در پایان سوره پس از آنکه گفته می‌شود «هیچ‌کس را نزد او حق نعمتی نیست تا بخواهد بدین وسیله او را جزا دهد» ناگهان با الّا، استثنائی صورت می‌گیرد و مخاطب گمان می‌کند که نقطه اشکال و عیبی بر این شخص یافت شد، ولی وقتی در ادامه گفته می‌شود: تنها هدفش جلب رضای پروردگار بزرگ اوست، تعریف پیشین تأکید شده و روشن می‌شود که سر تا پای عمل او همه حُسن است و بی‌عیب و بر خلوص نیتش تأکید می‌شود.

زیبایی‌هایی که ذوق ما از این آیات درک می‌کند چیست و چه نام دارد؟ آیا شیوه‌هایی را که قرآن به کار گرفته زیبایی و حُسن محسوب می‌شود و ادیبان و شاعران هم از آن استفاده می‌کنند؟ چه بلاغتی در این شیوه نهفته است؟ این موارد و پرسش‌های مشابه، اموری هستند که دانشی بلاغی با نام «بدیع» برای آنها تأسیس شده است و ذوق زیباشناختی انسان را در دریافت زیبایی‌های ادبی تقویت می‌کند.

دانش بدیع توضیح می‌دهد که در این سوره آرایه‌های سجع، ترصیع و موازنه، طباق و تقابل،

تضاد نمایی، تکرار، واج‌آرایی، مدح شبیه به ذم (ستایشی مانند نکوهش)، مراعات نظیر و مواردی دیگر، به کار رفته‌اند.

اکنون ببینیم این دانش چیست، چگونه پدید آمد و چه سرفصل‌هایی دارد؟

۱. شناخت علم بدیع و نقش آن در بلاغت سخن

بدیع از ماده «بَدَعَ الشَّيْءُ يَبْدَعُهُ بَدْعًا»، به معنای ایجاد کردن و آغاز کردن است. «ابتدع»، یعنی آفرید و پدید آورد. «ابداع» یعنی چیزی را بی‌نمونه پدید آوردن. «بَدَعِي» آن چیزی است که بدون نمونه و سابقه قبلی ایجاد شده باشد. واژه «بدیع»، به معنای پدیده تازه، زیبا و شگفت است. «رَكِيٌّ بَدِيعٌ»، یعنی چاه تازه حفر شده، «سِقَاءٌ بَدِيعٌ»، یعنی مشک نو.^۱

«بدیع» به معنای مُبدع و پدیدآورنده نیز به کار رفته و به این معنا، از نام‌های خداوند متعال است. «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»؛^۲ یعنی پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین، بی‌آنکه نمونه و الگوی پیشینی در اختیار داشته باشد. احتمال دارد «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» از قبیل اضافه صفت مشابه به فاعل آن باشد؛ یعنی بدیعِ سماواته و أرضه.^۳

خطیب قزوینی در تعریف اصطلاحی علم بدیع می‌نویسد: «و هو علم يعرف به وجوه تحسین الكلام بعد رعاية المطابقة ووضوح الدلالة»؛^۴ بدیع دانشی است که با آن گونه‌های آرایه‌گری و زیباسازی کلام پس از مطابقت سخن با مقتضای حال مخاطب و روشنی دلالت، شناخته می‌شوند. قید آخر، اشاره به آن است که این آرایه‌ها زمانی سخن را نیکو می‌سازند و به آن حُسن عَرَضِيّ می‌بخشند که قواعد دانش‌های معانی و بیان در آن رعایت شده باشند و سخن به حسن ذاتی مزین باشد.

در نگاه برخی: «بدیع، مجموعه شگردهایی و یا بحث از فنونی است که کلام عادی را کم و بیش تبدیل به کلام ادبی می‌کند و یا کلام ادبی را به سطح والاتری از ادبی بودن یا سطح ادبی داشتن تعالی می‌بخشد».^۵

۱. ر. ک: ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۶-۸؛ بنیاد پژوهش‌های اسلامی، المعجم فی فقه لغة القرآن و سر بلاغته، ص ۸۰۹-۸۲۱.

۲. بقره، ۱۱۷؛ انعام، ۱۰۱.

۳. زمخشری، الکشاف، ج ۱، ص ۱۱۸.

۴. تفتازانی، شرح المختصر، ج ۲، ص ۱۳۵؛ همو، مغربی و سبکی، شروح التلخیص، ج ۴، ص ۲۸۳.

۵. شمیسا، نگاهی تازه به بدیع، ص ۲۰-۲۱.

میان معنای لغوی و اصطلاحی بدیع تناسب معنایی است، بدین بیان که بدیع در لغت به هر چیز تازه و خوشایند اطلاق می‌شود و دانش بدیع نیز از اموری سخن می‌گوید که باعث تازگی و جذابیت سخن می‌شوند و آن را خوشایند و دلپذیر می‌سازد.

گروه بسیاری از کار خطیب پیروی کرده و محسنات بدیعی را تنها اموری زیباساز و آرایشگر سخن می‌دانند که پس از رعایت قواعد دو علم معانی و بیان بر سخن عارض شده و باعث زیبایی و آراستگی آن می‌شود؛ گروهی نیز تعریف خطیب را نقد کرده‌اند و معتقدند زیباسازی بدیع ذاتی است، نه عرضی و خود از عوامل بلاغت است که مقتضای حال، آن را خواهان است و در سخن بلیغ و رسا نمی‌توان از زیبایی بی‌نیاز بود؛ چه آنکه بلاغت بر سه رکن مطابقت، وضوح و زیبایی استوار است، پس بدیع که تحقق بخش زیبایی است، از بیان که وضوح و روشنی را و معانی که مطابقت و هماهنگی با مقتضای حال را تحقق می‌بخشد، اهمیتی کمتر ندارد.^۱

۲. پیشینه دانش بدیع

مباحث بدیعی در آغاز به گونه پراکنده و در خلال کتاب‌های مفسران، متکلمان و ادیبانی پدید آمدند که سعی داشتند اعجاز قرآن کریم را بیان کنند.^۲ لفظ بدیع در میان ادیبان نخستین بر شیوه‌های بلاغی پرکاربرد در میان شاعران، مانند تشبیه، مجاز و محسنات لفظی و معنوی اطلاق می‌شد؛^۳ از جمله بدیع در کاربرد جاحظ (د ۲۵۵هـ) مجاز و دیگر اسلوب‌های بیانی را دربر می‌گرفت. او در کتاب البیان و التبيين به برخی فنون بدیعی همانند سجع پرداخته است.^۴

پیش از جاحظ، اصمعی (د ۲۱۶ق) از برخی گونه‌های بدیع سخن گفته است که نشان‌دهنده تیزبینی و دقت او در جایگاه آنها در شعر و نثر فصیح است. این گونه‌ها به شرح ذیل‌اند: تشبیه، استعاره، جناس، طباق، ایغال، مبالغه، التفات، تغلیب، حُسن تقسیم، صحت مقابله و حسن ابتداء.

۱. ر.ک: لاشین، البدیع فی ضوء اسالیب القرآن، ص ۱۳-۱۹ و ۱۸۳-۱۹۳؛ احمد موسی، الصیغ البدیعی، ص ۵۰۷؛ زوبعی و حلاوی، البیان و البدیع، ص ۱۳۰؛ خنین، النظم القرآنی فی آیات الجهاد، ص ۵۰۳.

۲. ر.ک: ابن‌ابی‌الاصبع، بدیع القرآن، ص ۳۸-۴۳.

۳. عتیق، فی تاریخ البلاغة العربیة، ص ۱۱۶.

۴. ر.ک: همان، ص ۵۱ و ۱۱۸-۱۳۸؛ ضیف، البلاغة، تطور و تاریخ، ص ۴۶-۵۸.

این موارد، از نوآوری‌های اویند به جز طباق و جناس که پیش از وی خلیل از آنها در کتابش العین یاد کرده بود.^۱

در قرن سوم هجری، عبدالله بن معترّ عباسی (د ۲۹۶ق) با نگارش کتاب البدیع، به گردآوری صنایع بدیع پرداخت. از این رو، او را واضع این علم می‌شناسند.^۲ ابن معترّ کتابش را با این هدف نگاشت تا ثابت کند که فنون بدیع در میان سخنان و سروده‌های پیشینیان کاربرد داشته و شاعرانی همچون بشّار، مسلم و ابونواس در این کار پیشی نجسته‌اند.^۳

یکی دیگر از ادیبان نقدپرداز عرب که در گسترش مبانی علم بدیع نقشی بسزا دارد، قدامة بن جعفر (د ۳۳۷ق) است. مهم‌ترین تألیفات بلاغی وی نقد الشعر و نقد النثر هستند. در قیاس با دانش معانی و بیان، اهتمام وی به دانش بدیع بیشتر بوده است.^۴

پس از قدامة، مؤلفانی مانند ابوهلال عسکری (د ۳۹۵ق)، ابن رشیق قیروانی (د ۴۵۶ق)، ابن سنان خفاجی (د ۴۶۶ق) و اسامة بن منقذ (د ۵۸۶ق) با تألیفات خود، به ویرایش مباحث علم بدیع پرداختند و گاه مطالبی را بدان افزودند.

ابوهلال عسکری، کتاب الصناعتین (الکتابة و الشعر) را نگاشت و در باب نهم آن، که

۱. ر.ک: تلب، البدیع بین المتقدمین و المتأخرین، ص ۱۲-۲۵.

۲. درباره نخستین واضع علم بدیع دیدگاه‌هایی دیگر نیز هست که به جز ابن معترّ، ابن هرمة فهری، شاعر شیعی (زنده پس از سال ۱۴۶ق) و قدامة بن جعفر کاتب، ناقد و ادیب معروف شیعی (د ۳۱۰ق) را نخستین واضعان این علم می‌دانند (ر.ک: صدر، الشیعة و فنون الاسلام، ص ۴۸۲-۴۸۳).

۳. ر.ک: ابن معترّ، کتاب البدیع، ص ۹. وی پنج باب اصلی برای بدیع ذکر می‌کند: استعاره، جناس، مطابقه، ردّ العجز و مذهب کلامی. او برای آنکه کتابش پربارتر و سودمندتر شود، سیزده باب دیگر نیز می‌افزاید، از جمله: التفات، تأکید، مدح بما یشبه الذم، تجاهل عارف، حُسن تضمین، مبالغه و حُسن ابتدا. بدیع در سخنان شاعران پیشین عرب به صورت کم، طبیعی، بی‌تکلف و بدون قصد بود، ولی در طبقه شاعران نوظهور پس از سده نخست به صورت فراوان و از روی توجه و قصد به کار رفت. در این میان، شاعر پیشگام، بشّار بن برد، بود، و پس از وی مسلم بن ولید که برای نخستین بار این انواع بلاغی را بدیع نامید و دیگرانی مانند ابوتمام در این کار افراط کردند (تلب، البدیع بین المتقدمین و المتأخرین، ص ۱۱-۱۹).

۴. او به بدیع در ضمن سخن از شعر نیکو و پست پرداخته است. محسناتی که قدامة در دو کتابش مطرح کرده چهارده مورد می‌شود؛ همانند ترصیع، غلو، صحت تقسیم، تمثیل و التفات که از این میان در پنج مورد با ابن معترّ مشترک است (ر.ک: عتیق، فی تاریخ البلاغة العربیة، ص ۱۴۱-۱۵۲؛ ضیف، البلاغة، تطور و تاریخ، ص ۷۸-۱۰۲).

بخشی مفصل از این کتاب را تشکیل می‌دهد، به شرح بدیع و دسته‌بندی انواع و فنون آن پرداخت. وی در این کتاب ۳۷ نوع از انواع بدیع را ذکر می‌کند.^۱

ابن‌رشیق قیروانی نیز کتاب العمدة فی محاسن الشعر و آدابه را نگاشت. این کتاب نمونه‌ای از کتاب‌های نقد در قرن پنجم هجری است که در آن بر پایه‌ای بلاغی به نقد می‌پردازد. او در این کتاب ۲۹ نوع را یاد می‌کند که از این میان، نه نوع آن مختص اوست.^۲

ابن‌سنان خفاجی با نگارش سرّ الفصاحة به بررسی فصاحت پرداخت و راز آن را در «حسن لفظ و حسن معنا» جست. وی در این کتاب به فنون بدیع و اسلوب‌های بیان می‌پردازد.^۳ اسامة بن منقذ نیز در کتاب البدیع فی نقد الشعر که ۹۵ باب دارد، بسیاری از محسنات بدیعی را یادآور می‌شود.^۴

از زمان سکاکی (د ۲۶۶ق) مباحث علوم بلاغت در سه علم معانی، بیان و بدیع دسته‌بندی و بررسی شدند. او در مفتاح العلوم، میان مباحث بدیع با دو علم دیگر تفاوت گذارد. در کتاب‌های گذشتگان پیش از سکاکی، برخی مباحث که بنابر تقسیم وی در علم معانی یا بیان جای می‌گیرند، در ذیل بدیع شمارش شده‌اند؛ برای نمونه باقلانی (د ۴۰۳ق) در کتاب اعجاز القرآن، در ذکر مباحث بدیع، از استعاره، تشبیه، کنایه، تعریض، التفات و مانند آنها یاد می‌کند. حتی در دوران سکاکی، ابن‌ابی‌الاصبع مصری (د ۶۵۴هـ) به شیوه پیشینیان، مباحثی از دیگر علوم بلاغی را در بدیع القرآن ذکر می‌کند و ابن‌اثیر در المثل السائر، همه مباحث علوم بلاغی را علم بیان می‌نامد.

خطیب قزوینی، همانند سکاکی فنون بدیع را به دو قسم لفظی و معنوی تقسیم کرد؛ هرچند در شماره و نام‌گذاری برخی فنون با وی اختلاف دارد. سکاکی از بدیع معنوی بیست نوع و از بدیع لفظی شش نوع را یاد کرده بود، اما خطیب آنها را به ترتیب، به سی نوع بدیع معنوی و هفت نوع بدیع لفظی افزایش داد.

۱. تا زمان ابوهلال ۴۱ گونه بدیعی پدیدار شده بود: هجده نوع از نوآوری‌های ابن‌معتز بود، نه نوع را قدامه به دست داد، ابوهلال شش نوع را افزود و به هشت نوع دیگر دست یافت که در آثار غیر قدامه و ابن‌معتز دیده می‌شد (عتیق، فی تاریخ البلاغة العربیة، ص ۱۹۲-۲۰۹).

۲. ر.ک: قیروانی، العمدة فی محاسن الشعر و آدابه، ج ۱، ص ۱۱؛ نیز: عتیق، همان، ص ۲۲۵-۲۲۸؛ ضیف، البلاغة، تطور و تاریخ، ص ۱۴۶-۱۵۳.

۳. عتیق، همان، ص ۲۳۶-۲۴۴؛ ضیف، همان، ص ۱۵۲-۱۵۹.

۴. عتیق، همان، ص ۲۶۶؛ همو، علم المعانی، بیان، البدیع، ص ۴۵۲.

یکی از دشواری‌های پژوهش‌های بلاغی، چنان‌که برخی یاد کرده‌اند، تداخل مفاهیم بلاغی نزد بسیاری از عالمان پیشین است، به‌گونه‌ای که گاه یک نوع، بسته به دیدگاه هر عالم، با نام‌های مختلف ذکر می‌شود و مقصود از یک اصطلاح نزد فردی دیگر، غیر از آن چیزی است که نزد فرد دیگر است. افزون بر این، هر فرع شاخه‌های متعدد با نام‌های جدید دارد و مباحثی از بیان و معانی، یا غیر آن به بدیع ملحق می‌شود.^۱

امروزه آثار بلاغی، از جمله بدیع، کم و بیش متأثر از روش گذشته و در برخی موارد، با اندکی نوآوری همراه است. از شمار نگاشته‌های بدیعی بسیار معاصر، می‌توان به آثاری اشاره کرد: الصبغ البدیعی فی اللغة العربیة، از احمد ابراهیم موسی؛ فن البدیعی، نوشته عبدالقادر حسین؛ دراسات فی علم البدیعی، نگاشته احمد محمد علی؛ نظرات فی المحسنات البدیعیه، اثر عبده زاید؛ البدیعی، تأصیل و تجدید به قلم منیر سلطان؛ البلاغة العربیة فی ثوبها الجدید (علم البدیعی)، از بکری شیخ امین؛ فی البلاغة العربیة (علم البدیعی)، از عبدالعزیز عتیق؛ فی البلاغة العربیة، (علم البدیعی)، از محمد احمد حسن مراغی؛ البدیعی، المصطلح و القيمة، نوشته عبدالواحد علام.

از جمله آثاری که دانش بدیع را در پرتو قرآن بررسی کرده‌اند، یکی البدیعی فی ضوء اسالیب القرآن، از عبدالفتاح لاشین است. او در این کتاب به بررسی فنون بدیع، سرّ زیبایی آن و همگامی‌اش با معنا بر پایه نمونه‌های قرآنی می‌پردازد.

اسالیب البدیعی فی القرآن، از سیدجعفر حسینی، اثر دیگری در این زمینه است. در این کتاب پیشینه تاریخی علم بدیع و چگونگی تحولات آن بیان شده و از آن به تحلیل تک‌تک فنون بدیعی و نمونه‌های آن از قرآن و حدیث و ادب پرداخته و جنبه بلاغت و زیبایی آن توضیح داده شده است.

همچنین کتاب من روائع البدیعی فی القرآن الکریم، اثر احمد عبدالمجید خلیفه و نیز کتاب البدیعی فی القرآن، انواعه و وظائفه، از ابراهیم محمود علان، آثار دیگری از این دست هستند. از گذشته تاکنون در علم بدیع آثار بسیاری نیز به زبان فارسی نگاشته شده‌اند؛ نخستین کتاب نگاشته شده در زبان فارسی درباره علم بدیع، ترجمان البلاغه، از محمد بن عمر رادویانی است که در اواخر قرن پنجم هجری تألیف شده است. همین کتاب زمینه کار رشیدالدین

۱. علان، البدیعی فی القرآن، انواعه و وظائفه، ص ۱۳.

وطواط (د ۵۷۸ق) در حدائق السحر بوده است. از دیگر آثار مهم، ابداع البدایع شمس العلمای گرگانی و فنون بلاغت و صناعات ادبی جلال‌الدین همایی است. شمار بسیاری از آثار بدیعی نیز در سال‌های اخیر به قلم استادان ادب فارسی در دانشگاه‌های گوناگون و در قالب متن آموزشی نشر یافته‌اند که معرفی آنها از مجال و غرض نوشته حاضر بیرون است.^۱

بدیع در غرب به صورت علم خاصی مطرح نیست، بلکه معمولاً در اواخر کتاب‌های ادبی، مانند عروض و دستور، برخی اصطلاحات آن به صورت فرهنگ ذکر می‌شوند.^۲

در آثاری نیز که فراتر از حوزه بدیع در باب زیبایی‌شناسی قرآن نگاشته شده‌اند، هم استفاده از فنون بدیعی را در تحلیل آیات قرآن می‌بینیم و هم مباحثی که می‌توان آنها را در حوزه بدیع وارد ساخت یا در کنار بدیع در زیبایی‌شناختی قرآن از آنها استفاده کرد؛ مانند: التصوير الفنی فی القرآن، از سید قطب که جلوه‌های زیبایی از تصویرگری و انسجام هنری در قرآن را نشان داده است و نیز فی ظلال القرآن، اثر سید قطب، که نمونه بارز تفسیرهای زیباشناسانه است.^۳

قصیده‌های بدیعی^۴

سرایش قصیده‌های بدیعی، یکی از شیوه‌های مناسب در پژوهش‌های بدیعی است. در این قصیده‌ها، هر بیت (یا دو بیت) با تعریف یکی از صنایع بدیعی براساس آن شکل می‌گیرد. همه یا عمده صنایع بدیعی در این قصیده به نظم می‌آیند و بیتی بدون صنعت در آن یافت نمی‌شود. در این نوع، اصل قصیده برای منظوری دیگر، چون مدح و ثنا سروده شده است. این‌گونه قصیده‌ها دو دسته‌اند: در برخی هر بیت در بردارنده صنعتی است، و در پاره‌ای به نام آن صنعت به شکل توریه اشاره می‌شود.^۵

امین‌الدین اربلی (د ۶۷۰ق) برای نخستین بار بدیعیه‌ای سرود و در هر بیت یکی از

۱. درباره پیشینه علم بدیع در زبان فارسی و معرفی برخی آثار آن ر. ک: محبتی، بدیع نو، ص ۳۷-۵۱؛

صادقیان، زیور سخن در بدیع فارسی، ص ۱۵-۲۱.

۲. شمیسا، نگاهی تازه به بدیع، ص ۱۹۰-۱۹۱.

۳. در جلد نخست علوم بلاغی و زیبایی‌شناختی قرآن گزارشی از این آثار ارائه کردیم.

۴. برای مطالعه آزاد.

۵. حکیمی، ادبیات و تعهد در اسلام، ص ۱۳۱ و ۱۳۸. در این کتاب در دو فصل به صورت مفصل به

قصیده‌های بدیعی و بدیعیه‌سرایان پرداخته شده است.

محسنات بدیعی را گنجانند. از دیگر بدیعیه‌سرایان، شاعر بزرگ و عالم شیعی، صفی‌الدین حلّی (د۷۵۰ق) است که در قصیده‌ای در مدح پیامبر ﷺ، ۱۵۰ نوع بدیعی را آورده است. مطلع آن قصیده چنین است:

ان جئتَ سَلْعاً فَسَلَّ عَنْ جِیرَةِ الْعَلَمِ واقِرَ السَّلَامِ عَلٰی عَرَبٍ بَدَى سَلَمٍ^۱

علما پس از صفی‌الدین به همان شیوه به نظم بدیعیات پرداختند. از مشهورترین بدیعیه‌ها، بدیعیه ابن حَبَّه حَمَوِی (د۸۳۷ق) است. وی بر قصیده خود شرحی طولانی با نام خزانه الادب می‌نویسد. این قصیده ۱۴۲ بیت دارد و این‌گونه آغاز می‌شود:

لی فی ابتداء مدحکم یا عَرَبَ ذی سَلَمِ براعةٌ تستهلّ الدمع فی العَلَمِ

از دیگر بدیعیه‌سرایان، صدرالدین بن معصوم حسینی مدنی، معروف به سیدعلی خان کبیر (د۱۱۷۷ق) است که انوار الربیع فی انواع البدیع را در شرح قصیده بدیعیه خود نگاشت. این کتاب از بهترین نگاشته‌های بدیعی است و مؤلف پس از ذکر عنوان هر نوع بدیعی، نخست بیت قصیده خود را در آن نوع می‌آورد، آنگاه به شرح و تعریف آن نوع و تحقیق در اقوال عالمان بدیع و بلاغت می‌پردازد و سپس با آوردن تحقیقات دقیق و مثال‌ها و شواهد بسیار از اشعار و آثار بلند عربی و آوردن لطایف و دقایق ادبی و بلاغی، به بحث ادامه می‌دهد. سیدعلی خان در پایان هر فصل ابیات چند بدیعیه از بدیعیه‌سرایان دیگر را ذکر می‌کند و به تطبیق آنها می‌پردازد. بدیعیه وی با این بیت آغاز می‌شود:

حسنُ ابتدائی بذکری جیره العَلَمِ له براعةٌ شوقٍ تستهلّ دمی

در عصر حاضر نیز بدیعیه‌سرایانی ظهور کردند؛ از جمله ساعتی (د۱۲۹۸ق) و شیخ طاهر جزایری (د۱۳۴۱ق). حتی برخی مسیحیان لبنان نیز در مدح حضرت عیسی علیه السلام یا دیگر پیامبران بدیعیاتی سروده‌اند.^۲

در پایان توجه به تفاوت قصیده‌های بدیعی با ارجوزه‌های بدیعی ضروری است؛ چه این‌گونه ارجوزه‌ها به قواعد و تعریف صنایع بدیعی می‌پردازند، همانند ارجوزه‌های نحوی و صرفی و

۱. اگر به وادی سلع آمدی، همسایگان کوه را سلام رسان و بر تازیانِ ذی‌سلم درود فرست (سَلْع و ذی‌سلم، نام کوه‌هایی در اطراف مدینه است).

۲. ر.ک: ضیف، البلاغة، تطور و تاریخ، ص ۳۵۸-۳۶۷.

مانند آنها.^۱ سیوطی ارجوزه‌ای در معانی، بیان و بدیع با نام «عقود الجمان فی المعانی والبیان» سروده است که خود نیز آن را شرح کرده است.^۲

پرسش و تطبیق

۱. تعریف دانش بدیع چیست؟
۲. در مقایسه با دانش معانی و بیان آیا اهمیت بلاغی دانش بدیع کمتر است؟ دیدگاه‌ها و نظر درست در این باره کدام است؟
۳. نخستین کتاب در علم بدیع در چه قرنی و از سوی چه کسی نوشته شد؟
۴. از چه زمانی مباحث علم بدیع از دیگر علوم بلاغی متمایز شد؟
۵. چند اثر مهم بدیعی-قرآنی در عصر حاضر را نام ببرید.
۶. قصیده‌های بدیعی چه هستند؟ نمونه‌هایی را نام ببرید.
۷. یک کتاب در علم بدیع انتخاب کرده، آن را در کلاس به صورت کنفرانس معرفی کنید.

۱. ر.ک: حکیمی، ادبیات و تعهد در اسلام، ص ۱۳۳-۱۳۴.

۲. ر.ک: سیوطی، شرح عقود الجمان فی المعانی و البیان، ص ۴۱؛ مرشدی، شرح المرشدی علی عقود الجمان فی المعانی و البیان، ص ۲.

درس دوم

آرایه‌های بدیعی و نقش آنها در شناخت و فهم قرآن

اهداف:

- آشنایی با سرفصل‌های کلی دانش بدیع؛
- شناخت تقسیم آرایه‌های بدیع به لفظی و معنوی و نقد آن؛
- آشنایی اجمالی با رویکردهای جدید به آرایه‌های بدیعی؛
- شناخت بدیع القرآن به‌عنوان یکی از انواع علوم قرآنی؛
- شناخت نقش دانش بدیع در فهم و تفسیر قرآن؛
- شناخت رابطه بدیع با اعجاز قرآن؛
- شناخت ویژگی‌های سبک قرآن در کاربرد آرایه‌های بدیعی.

۱. آشنایی با آرایه‌های بدیعی

دانش بدیع از اموری سخن می‌گوید که وجود آنها در سخن، سبب زیبایی آن می‌شود. از مجموعه این امور با واژگان عربی فنون، محسنات، صنایع یا صناعات، الوان و اصباح؛ و نیز واژگان فارسی آرایه‌ها، شگردها، یا ترفندهای بدیعی تعبیر شده است. شمار انواع بدیعی از چهارده و هجده نوع که قدامه و ابن معتر ارائه کردند، آغاز می‌شود و به تدریج و با افزودگی‌های مؤلفان بدیع تا ۹۵ نوع در البدیع فی نقد الشعر اسامه بن منقذ و ۱۲۳ نوع در تحریر التحییر ابن ابی‌الاصبع و ۲۳۰ نوع در ابداع البدایع شمس العلمای گرگانی می‌رسد. صنعت‌سازی و افزایش انواع بدیع، مطلوب بسیاری کسان نیست؛^۱ از این‌رو،

۱. برای نمونه ر.ک: شفیع کدکنی، موسیقی شعر، ص ۲۹۳؛ محبتی، بدیع نو، ص ۶۳.

دسته‌بندی و تشخیص سره از ناسره و جهه همت برخی بلاغت‌پژوهان قرار گرفته است. از سوی دیگر، پیدایش دانش‌های نوین، همچون زبان‌شناسی و زیبایی‌شناسی که به عرصه ادبیات نیز گام نهاده‌اند، باعث شد نگاه‌هایی تازه به زیبایی‌های سخن و طبقه‌بندی و تبیین نقش آنها بشود که گاه موجب توسعه و توضیح دایره آنها شده است.

مباحث علم بدیع از روزگار سکاکی تاکنون به دو بخش لفظی و معنوی تقسیم می‌شده است:

الف) آرایه‌های لفظی: در این بخش، سخن‌آرایی به یاری «الفاظ و آواها» است، اگرچه پیرو آن معنا هم نیکو می‌شود. مانند آنکه در کلام از جناس و سجع استفاده شود که مربوط به الفاظ‌اند. چنان‌که در سوره لیل دیدیم همه آیات آن از نظر پایان تناسب دارند و آرایه سجع به کار رفته، یا در برخی آیات توازن، یا همسازی حروف وجود دارد. این زیبایی به معنا نیز سرایت می‌کند و معنا لباسی زیبا بر تن می‌پوشد.

ب) آرایه‌های معنوی: درک این نوع زیبایی در سخن ناشی از «معنا» است که بالتبع بر نیکویی لفظ نیز اثر دارد. مانند آنکه در سخن از تضاد، مراعات نظیر، یا ایهام استفاده شود که مربوط به معنایند. چنان‌که در سوره لیل دیدیم کلمات بسیاری تضاد معنایی داشتند و در «إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ * وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ» در مقابل «علینا»، «لنا» آمده که تضاد نمایی زیبایی دارند و در برابر «آخرت»، «اولی» قرار گرفت.

دسته‌بندی صنایع بدیع به دو قسم لفظی و معنوی، نقدپذیر است؛ زیرا یافتن مرز میان لفظ و معنا گاه دشوار است و براساس برخی دیدگاه‌های زبان‌شناسی و معناشناسی، میان آن دو خط فاصل نمی‌توان کشید. در مواردی نیز این دو قسم تداخل می‌یابند.

برخی این دسته‌بندی را از دو جنبه پذیرفتنی می‌دانند: نخست، غلبه و ترجیح؛ یعنی بلاغت محسنات لفظی بیشتر به لفظ بازمی‌گردد و محسنات معنوی به معنا؛ دوم، این جدایی تنها نظری و برای روشن شدن بهتر مطلب است، اما در کاربرد کلام ادبی باید لفظ و معنا را با هم در نظر گرفت.^۱

بنا بر ترتیب تلخیص المفتح خطیب قزوینی و بسیاری کتاب‌ها، نخست از قسم معنوی بحث می‌شود، سپس از قسم لفظی. تفتازانی در توجیه آن می‌گوید: «قسم معنوی را مقدم

۱. عبدالمجید، البدیع بین البلاغة العربیة و اللسانیات النصیة، ص ۳۳.